

عنوان مقاله:

نگاهی تاملی به آراء ملاصدرا و کانت در باب انسان کامل

محل انتشار:

مجله پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره 2، شماره 4 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

علی حسینی - استادیار فلسفه، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

علی نجات رازین - استادیار فلسفه، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

محسن نمازبان - دانش آموخته رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه یاسوج

خلاصه مقاله:

مفهوم انسان کامل، یکی از مفاهیم چالش برانگیز در فلسفه و عرفان می باشد، که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. ارسطو انسان را «حیوانی ناطق و گاه حیوانی سیاسی» تعریف نمود. ابن عربی برعکس تعریف معلم اول، انسان را لطیف ربانی می داند که حق تعالی از روح و نفس رحمانی خود، در جسم انسان دمیده است و او را جامع حقایق عالم و حقایق حق قرار داده است. از آنجایی که ملاصدرا در مکتب فلسفی - عرفانی خود به شدت متأثر از آرای محی الدین عربی می باشد، انسان را خلیفه الهی و دارای جامعیت می داند. ایشان با پذیرش کثرت نوعی انسانی و انکار وحدت نوعی انسان ها، معتقد است، انسان به حسب نشئه باطنی دارای انواع گوناگون است و می تواند از تمام مراحل عبور کند؛ زیرا از حیث انسانیت، دائما در حال ترقی از یک وجود به وجود دیگری است و در مرتبه ذات خاصی ثبوت ندارد. اندیشمند غربی، ایمانوئل کانت، به عنوان سر سلسه دار در مبحث انسان شناسی، معتقد است که همه چیز خدا و هستی با انسان معنا می یابد. همین انسانی که به دلیل محدودیت قوای شناختی، از حل و فصل مسائل مهمی؛ چون جهان و خدا ناتوان گردیده، زمینه گسترده ای را برای عقل عملی و اخلاق مهیا می سازد و دارای کرامت بی انتهایست. ملاصدرا و کانت دو متفکری هستند که با دو رویکرد متفاوت به این دو موضوع پرداخته اند. این مقاله در صدد است، تا با استناد به منابع اصلی و به شیوه توصیفی - تحلیلی به بیان وجوه اشتراک و افتراق این دو اندیشمند اسلامی و غربی بپردازد.

کلمات کلیدی:

انسان کامل، اسلام، غرب، ملاصدرا، کانت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1925248>

